



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱۶ مهر ۱۳۹۱
مصادف با: ۲۰ ذی القعدة ۱۴۳۳
جلسه: ۳

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه

موضوع جزئی: مقدمه

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مقدمه:

بعد از مباحثی که پیرامون جوامع روایی اولیه و ثانویه و مصادر اولیه و ثانویه علم رجال داشتیم مناسب است که به بعضی از بحث‌هایی که در متن علم رجال وجود دارد بپردازیم. یکی از مباحث مهم علم رجال بحث توثیقات خاصه و عامه است. مقدمه‌ای عرض می‌کنیم در علم اصول ثابت شده که خبر واحد حجت است و بحث از حجیت خبر واحد یکی از مباحث مهمی است که در علم اصول تعقیب می‌شود لکن آنچه که در علم اصول بحث می‌شود یک بحث کبروی یعنی بحث از اصل حجیت خبر واحد است، مبانی در باب حجیت خبر واحد هم مختلف است، اگر ما بخواهیم مجموعه مبانی مربوط به اعتبار خبر واحد را برشماریم می‌توانیم به چهار مبنای کلی در این رابطه اشاره کنیم:

(۱) یکی حجیت خبر عادل است یعنی بعضی عقیده دارند خبر واحدی که مخبر آن عادل باشد معتبر است، حال در اینکه معنای عدالت چیست بحث مبسوطی وجود دارد که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد.

(۲) بعضی معتقدند خبر واحد ثقة حجت است، منظور از ثقة یعنی کسی که عقلاء به قول او اعتماد می‌کنند.

(۳) مبنای سوم حجیت خبر موثق الصدور است. طبق این مبنا اگر وثوق به صدور خبری حاصل شد ولو آنکه وثاقت راوی احراز نشود آن خبر حجت است، در این مبنا ممکن است راوی ثقة نباشد ولی قرائنی وجود دارد که موجب وثوق به صدور خبر از معصوم (ع) می‌شود.

شاید بتوان گفت مبنای دوم و سوم تقریباً از مهم‌ترین مبانی در مورد حجیت خبر واحد است، فرق این دو مبنا هم کاملاً معلوم است؛ طبق مبنای دوم ثقة بودن راوی باید احراز شود ولی طبق مبنای سوم احراز وثاقت راوی لازم نیست و همین که قرائن و اماراتی وجود داشته باشد که موجب اطمینان به صدور روایت از معصوم شود کافی است.

(۴) مبنای چهارم حجیت خبر ثقة‌ای است که مفید اطمینان باشد یعنی در واقع بین وصف راوی و مروی جمع کرده، هم راوی باید ثقة باشد و هم خبر باید مفید اطمینان باشد. حال اینکه چگونه خبری مفید اطمینان است به طرق مختلف می‌توان این اطمینان را تحصیل کرد، فرض کنید یک راوی ثقة باشد اما در نقل خبر چندان اهل ضبط و دقت نباشد که از خبر چنین مخبری انسان اطمینان به مروی پیدا نمی‌کند ولی ممکن است ثقة‌ای خبری را نقل کند و او اهل ضبط و دقت باشد که طبیعی است که در این فرض برای انسان اطمینان حاصل می‌شود. این مبنا و همچنین مبنای اول اشکالاتی دارد که باید به

مفاد ادله رجوع شود که ادله چه چیز را اقتضاء می‌کند؛ مثلاً در همین مبنای چهارم اطمینان به خود مروی و خبر آیا واقعاً می‌تواند در حجیت خبر دخیل باشد یا نه که ما فعلاً وارد این مباحث نمی‌شویم.

عمده این است که ما هر یک از این مبانی چهارگانه را در باب حجیت خبر بپذیریم آنچه مهم است مسئله وثاقت راوی است یا حداقل اینکه عدم وثاقت او برای ما احراز نشود، بالاخره مدار اصلی در بحث از حجیت اخبار بحث وثاقت راوی است که فی‌الجمله این مسئله طبق همه مبانی مهم و مورد توجه است.

اما صغرای وثاقت باید در علم رجال مشخص شود، اینکه چگونه بفهمیم یک راوی ثقة است و آیا طریقی برای احراز وثاقت وجود دارد یا نه؟ این طرق مختلف است، روشن‌ترین راه و طریق برای اثبات وثاقت راوی مسئله توثیقات خاصه و عامه است که ما به تفصیل درباره این دو قسم سخن خواهیم گفت.

منظور از توثیقات خاصه توثیقی است که در مورد یک شخص یا اشخاص خاص و معین وارد شده است لذا ضابطه خاصی ندارد تا بتوانیم آن توثیق را شامل دیگران هم بدانیم؛ مثلاً وقتی امام معصوم(ع) در روایتی نام یک شخص مثل زراره و یونس بن عبد الرحمن می‌برد و آنها را به عنوان ثقة معرفی می‌کند ما نمی‌توانیم از شخص مورد نظر به شخص دیگری تعدی کنیم چون اصلاً قاعده و ضابطه‌ای در کار نیست.

توثیقات عامه یعنی توثیق یک گروه بدون آنکه شخص خاصی منظور باشد ولی دارای یک ضابطه و عنوان معین است مثلاً می‌گویند اصحاب اجماع موثقند که این یک عنوان کلی است که در یک ضابطه‌ای قابل گنجاندن است و می‌تواند منطبق بر افراد مختلف باشد.

توثیقات خاصه:

در مورد بخش اول که توثیقات خاصه است سؤال این است که توثیق خاص چگونه صورت می‌گیرد؟ طرق و راه‌هایی برای توثیقات خاصه ذکر کرده‌اند که ما به آنها اشاره می‌کنیم:

طریق اول:

۱- مهم‌ترین طریق برای توثیق خاص تصریح یکی از ائمه معصومین(ع) است. منظور از تصریح به وثاقت این است که تصریح به ثقة بودن شود مثلاً صریحاً بگوید فلانی ثقة است یا مطلبی گفته شود که آن مطلب دلالت بر وثاقت راوی بکند. گاهی ائمه(ع) صریحاً نام شخصی را می‌برند و صریحاً می‌گویند فلانی ثقة است و گاهی هم مطلبی را گفته‌اند که آن مطلب دلالت بر وثاقت شخص مورد نظر می‌کند.

روشن است که اگر به نام شخص تصریح شود و امام معصوم(ع) به صراحت وثاقت او را بیان کند یا مطلبی دال بر وثاقت او بفرماید قطعاً وثاقت او ثابت می‌شود.

تصریح معصومین(ع) از دو راه ممکن است:

الف) از طریق قطع و یقین یعنی کسی از امام معصوم(ع) بشنود که فلانی ثقه است که این طریق در حال حاضر تقریباً غیر ممکن است مگر اینکه کسی محضر مقدس امام زمان(عج) مشرف شود و بشنود که حضرت کسی را توثیق کرده است، لذا امروزه طریق علم و یقین برای استفاده وثاقت به نص و تصریح معصومین(ع) اتفاق نمی‌افتد.

ب) طریق دیگری که توثیق خاص از آن استفاده می‌شود یک روایت معتبر است یعنی روایتی از امام معصوم(ع) نقل شود که امام(ع) در مورد شخصی مطلبی را بگوید که دال بر وثاقت او باشد مثلاً روایاتی داریم در مورد زرارة بن اعین، محمد بن مسلم، زکریا بن آدم، یونس بن عبد الرحمن و غیره که از باب نمونه به یکی از آن روایات اشاره می‌کنیم، در یک روایتی وارد شده که شخصی محضر امام رضا(ع) می‌رسد و سؤال می‌کند: «شُقتی بعیده عنم آخذ معالم دینی؟ فقال(ع): من زکریا بن آدم القمی المأمون علی الدین و الدنیا»^۱ گاهی مسائلی پیش می‌آید که چون راهم دور است دسترسی به شما ندارم تا از شما بپرسم در این موارد به چه کسی مراجعه کنم؟ حضرت فرمودند از زکریا بن آدم سؤال کن که امین و مورد وثوق است هم در امور دینی و هم در امور دنیوی. کسی که امام معصوم(ع) تا این حد به او اطمینان دارد که او را امین در امور مربوط به دین و دنیا قرار می‌دهد معلوم است که مورد وثوق بوده و وثاقت این شخص از این مطلب استفاده می‌شود.

نکته:

مطلبی که باید به آن توجه شود این است که در این روش دوم که از طریق یک روایت معتبر می‌خواهیم وثاقت شخصی را استفاده کنیم تارةً خود این شخص در سند روایت وجود دارد و اخری خود شخص در طریق نقل روایت و سلسله سند روایت نیست. اگر خود این شخص در سند روایت نباشد باید وثاقت آن اشخاصی که در سلسله سند روایت وارد شده‌اند ثابت شده باشد تا بتوان به این روایت برای اثبات وثاقت شخص مورد نظر استناد کرد ولی اگر نام خود شخص در سند روایت آمده باشد شاید نتوان این روایت را یک روایت معتبر دانست چون مشکلی که در اینجا وجود دارد این است که اثبات وثاقت شخصی به وسیله روایتی که خود آن شخص در سند آن قرار دارد مستلزم دور است، شما می‌خواهید بفهمید آن شخص ثقه است یا نه که ثقه بودن او متوقف بر اعتبار این روایت است و اعتبار این روایت هم متوقف بر وثاقت این شخص است که در سلسله سند قرار گرفته است، پس از یک طرف وثاقت راوی متوقف بر اعتبار روایت و از طرف دیگر اعتبار روایت هم متوقف بر وثاقت راوی است که هذا دور باطل و اساساً اگر قرار باشد به روایتی که خود شخص در سلسله سند آن واقع شده برای اثبات وثاقت خودش استناد شود منجر به جعل‌های زیادی خواهد شد لذا در صورتی روایت معتبر می‌تواند مثبت وثاقت و محرز ثقه بودن راوی شود که نام خود شخص در سلسله سند روایت نباشد و وثاقت بقیه روایات هم که در طریق روایت قرار گرفته‌اند به طرق دیگر ثابت شده باشد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. رجال کشی، ص ۴۹۶.